

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۲۴ اکتوبر ۲۰۱۴

همو بیل تانه بتین، که ماس مایه میکنیم!!!

طنز کابلی

میگن که فکر آدمی دریاس؛ خرکاری دریای علم اس؛ و از گپ گپ میخیزه!!!
آیا واقعاً "فکر آدمی دریا ست" و "خرکاری دریای علم است" و "از گپ گپ میخیزد"؟؟؟
فحواى عملی این سه ضرب المثل کابلی را باربار با چشم و دیده گنهار خود دیده و ازمایش کرده ام و اگر باور ندارین، به سر شیرین تان قسم میخورم:
صبح مردان و در کله ملاذان، که نو از خواب برخاسته و برای گرفتن شخی دست و پای، این طرف و آن طرف خانه را گز و پل میگردم، به فکرها اندر فرو رتم. افکار متعدد و متفاوت پیهم و پشت سر هم در کله ام میگشت و میگذشت و حیران مانده بودم، که کدامش را اولتر درج بیاض فرنگی کنم. خواننده دراک مالومدار فوراً معنای بیاض و میاضه درک میکنه و میفامه که مقصد از "بیاض فرنگی" همو کمپیوتر است، که یکرنگ حجم خوده خرد کرده میرود و واقعاً هیئت یک کتابچه و "نوت بُک" و "لپ تاپ" و خردتر از آن را گرفته است. ولی گپه کوتاه کنیم، که عاقبت این خرد ساختنهای ادوات دجتل الکترونیک، شاید به یک قف دست اُشُک و به اندازه یک پیسه و یک پولی، و شاید خردتر از آن هم بکشد. راستی همی نامگذاری که دلم میشه از روی محبت "نامگذار یگک" بگویمش، خیلی در دلم نشسته. مرادم از ترجمه مستقیم و باللفظ "نوت بُک" به "بیاض فرنگی" ست، که واقعاً در دل مه شیشته، شماره دل تان!!!
مگم هُش کنین که بیدرای ایرانی ما ازی گپ خبر نشن، اگه نی اورام بدون "کسره اضافت" و به شکل "گوجه فرنگی" بیچاره، تلفظ کرده و "بیاض فرنگی" خواهند گفت. آخر در فارسی ایران

بسیار مود شده است، که "کسره اضافه" را قُرت کنند و ترکیبات مشهور خوب و بد و درست و غلطی از قبیل "گلِ گلاب" و "قتلِ عام" و "نقطه نظر" را بدون "کسره اضافه" و در هیئت "گلِ گلاب" و "قتلِ عام" و "نقطه نظر" تلفظ کنند.

مادر نازکو شنیده بود، که وقتی بابۀ نازکو از همسایه بیل طلب کرده بود، همسایه در جوابش گفته بود:

ده بیل ماس مایه کدیم!!!

مادر نازکو که زن خوشباوری بود، این گفته همسایه خود را از دل و جان قبول کرده، ولی حیران مانده بود که چطور همیشه در بیل ماست مایه کرد. این نکته باریکتر از موی، که نازکخیالیهای شاعرانه به گردش هم نرسه، روزها رنجش میداد و میخواست، عملاً امتحان کند که آیا چنین کاری ممکن است یا نی؟؟؟ از قضاء روزی هوس ماست به سرش زد؛ در دل گفت:

اینه حالی دگه وخت امتیان رسیده!!!

نازکو ره صدار زده به خانه همسایه راهی کرد، و برایش گفت؛ سلام بگو و باد از سلام بگو، که:

"همو بیل تانه بتین، که ماس مایه میکنیم!"

مادر نازکو که آدمی وسواسی بود، خواست ثقیی کند؛ از نازکو پرسان کرد، که:

"جان مادر چُطو میگی؟؟؟"

نازکو با ادب دیهکی، تکرار کرد:

مادر جانم سلام گفته و باد از سلام گفته، که همو بیل تانه بتین، که ماس مایه میکنیم!!!

همین که نازکو خانه همسایه را تق تق زد، خود بی بی گل دروازه را واز کرد. نازکوی پنجساله، خوشنمای سلام داده گفت:

مادر جانم سلام گفته و باد از سلام گفته، که همو بیل تانه بتین که ماس مایه میکنیم!!!

بی بی گل در چُرت آن روزی فرو رفت، که وقتی بابۀ اولادایش به پدر نازکو که از وی بیلش را خواسته بود، از روی بهانه و به مسقرگی گفته بود:

ده بیل ماس مایه کدیم!!!

هان راستی؛

وقتی پدر نازکو پرسیده بود، که بی انصاف مگر در بیل هم میشود ماست مایه کرد، در جواب شنیده بود که:

اگه بانه اس، خو همی س!!!

بابه نازکو عاصی و کُفری به خانه آمده و دود کرده در کنجی نشسته بود.
وقتی ننه نازکو علت را پرسیده بود، قصه بیل و ماست مایه کردن همسایه را بینه به بینه برایش گفته بود، ولی فراموشش شده بود، که بهانه تراشی همسایه را هم بر زبان آرد
با وجودی، که خود دهقان و مالدار بودند و در خانه انواع انواع بیل تکدار و بی تکک داشتند، مگر زنکه بیچاره فکر میکرد که حکمت "ماست مایه کردن" فقط منوط به "بیل همسایه" است!!!!!!!

اینک که بدینجا رسیده و قصه را به همین صورت بسته کرده ام، دلم دُگ دُگ میکنه و در زیر لب آهسته خدا خدا میکنم، که عاقبت به خیر!!!
این که خواننده عزیز این داستان را باور میکند و از آن مهمتر، از روی لطف و به خاطر گل روی راوی، لبخندی بر کنج دهانش میشگد، به شرافت دنیا و دینگ دینگِ آخرتش مربوط است!!! (آمین)

این نوشته قسماً در کسوت گفتار عامیانه کابلی آمده است؛ از شرح اصطلاحات مگم مازرت میخایم؛ کسانی که میدانند به دیگران بگویند. آن که نمیدانند، صبر خدا کند؛ آخر صبر هم خوب چیز اس!!! (آمین دوباره)